

الْمَوَاعِظُ الْعَدِيَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

الظُّلْمُ ثَلَاثَةٌ: ظُلْمٌ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ، وَ ظُلْمٌ يَغْفِرُهُ، وَ ظُلْمٌ لَا يَتُرْكُهُ. فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَالشَّرُكُ. قَالَ اللَّهُ: **إِنَّ الشَّرُكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ** وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ، فَظُلْمُ الْعِبَادِ أَنْفُسَهُمْ فِي مَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ رَبِّهِمْ، وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَتُرْكُهُ اللَّهُ، فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا.

ظلم سه گونه است: ظلمی که خداوند آن را نمی‌آمرزد و ظلمی که آن را می‌آمرزد و ظلمی که از آن نمی‌گذرد.

اما ظلمی که خدا آن را نمی‌آمرزد شرک است، خداوند می‌فرماید: قطعاً شرک ظلم بزرگی است.

و اما ظلمی که خدا آن را می‌آمرزد، ظلم بندگان به خود در آنچه میان خودشان و پروردگارشان است. و اما

ظلمی که خدا از آن نمی‌گذرد، ظلم بندگان به یکدیگر است.

سَبْعٌ يَجْرِي لِلْعَبْدِ أَجْرُهُنَّ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ: مَنْ عَلِمَ عِلْمًا، أَوْ أَجْرَى نَهْرًا، أَوْ حَفَرَ بَئْرًا، أَوْ غَرَسَ نَخْلًا، أَوْ بَنَى مَسْجِدًا، أَوْ وَرَثَ مُصْحَفًا، أَوْ تَرَكَ وَلَدًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ.

هفت چیز است که پاداش آن برای بندۀ بعد از مرگش در حالی که در قبرش است، جاری می‌شود

(می‌ماند): کسی که علمی را یاد دهد، یا نهری را جاری سازد یا چاهی را حفر کند، یا درخت نخلی را بکارد،

یا مسجدی بنا کند، یا قرآنی را به ارث گذارد، یا فرزندی از خود به جای گذارد که بعد از مرگش برایش طلب

آمرش می‌کند.

جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِئَةً جُزِءٍ، فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ جُزْءاً وَ أَنْزَلَ

فِي الْأَرْضِ جُزْءاً وَاحِدًا، فَمِنْ ذَلِكَ الْجُزْءِ يَتَرَاحَمُ الْخَلْقُ.

خداوند رحمت را صد قسمت کرد، نود و نه قسمت را پیش خود نگه داشت و یک قسمت را به زمین

فرستاد، پس به واسطه همین قسمت مردم به هم مهربانی می‌کنند.

إِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ يَكْفِيُ الْإِثْنَيْنِ، وَطَعَامَ الْإِثْنَيْنِ يَكْفِيُ الْثَلَاثَةَ وَالْأَرْبَعَةَ،

كُلُوا جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا، فَإِنَّ الْبَرَكَةَ مَعَ الْجَمَاعَةِ. همانا غذای یک نفر برای دو نفر نیز بس

است و غذای دو نفر برای سه نفر و چهار نفر بس است. پس به درستی که برکت با جماعت است.

إِثْنَانِ خَيْرٌ مِنْ وَاحِدٍ وَثَلَاثَةُ خَيْرٌ مِنْ إِثْنَيْنِ وَأَرْبَعَةُ خَيْرٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ؛ فَعَلَيْكُمْ

بِالْجَمَاعَةِ.

دو تن بهتر از یک تن و سه تن بهتر از دو تن و چهار تن بهتر از سه تن است. پس لازم است با جماعت باشید.

مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً، ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.

هر کس چهل روز برای خدا مخلص شود، چشممه‌های حکمت(دانش) از قلب او بر زبانش آشکار می‌شود.

أَرْبَعَةُ قَلِيلُهَا كَثِيرٌ: الْفَقْرُ وَالْوَاجْعُ وَالْعَدَاوَةُ وَالنَّارُ.

چهار چیز اندکش زیاد است: تهییدستی و درد و دشمنی و آتش.

الْعِبَادَةُ عَشَرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةُ أَجْزَاءٍ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.

عبادت ده قسمت است که نه قسمت در طلب حلال است.

إِذَا كَانَ اثْنَانِ يَتَنَاجِيَانِ فَلَا تَدْخُلْ بَيْتَهُمَا.

وقتی دو نفر با هم راز می‌گویند (درد دل می‌کنند)، میان آنها داخل نشو.

عَيْنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرِسِ.

✓ ✗

✓

۱- یَجْرِي أَجْرُ حَفْرِ الْبَئْرِ لِلْعَبْدِ وَهُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ.

پاداش کندن چاه برای بنده بعد از مرگش در حالی که در قبرش است جاری می‌شود.

✗

۲- أَنْزَلَ اللَّهُ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ جُزْءاً مِنَ الرَّحْمَةِ لِلْخَلْقِ.

خداؤند نود و نه قسمت از رحمت را برای انسان نازل کرد.

✓

۳- یَجْرِي أَجْرُ اسْتِغْفَارِ الْوَلَدِ لِلْوَالِدِينِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا.

پاداش آمرزش خواستن فرزند برای پدر و مادر پس از مرگشان جاری می‌شود.

✗

۴- إِنَّ طَعَامَ الْإِثْنَيْنِ لَا يَكْفِيُ الْثَلَاثَةَ.

غذای دو نفر برای سه نفر بس نیست.

✗

۵- يَعْفُرُ اللَّهُ الشُّرَكَ لِأَنَّهُ ظُلْمٌ صَغِيرٌ.

خداؤند شرک را می‌آمرزد زیرا آن ظلم کوچکی است.

إِخْتِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ.

سی شب	﴿ثَلَاثَيْنَ لَيْلَةً﴾ الآعراف: ١٤٢
هفتاد مرد	﴿سَبْعِينَ رَجُلًا﴾ الآعراف: ١٥٥
بر آن نوزده او	﴿عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ﴾ الْمُدَّثْرُ: ٣٠
هفت در	﴿سَبْعَةُ أَبْوَابٍ﴾ الْحِجْرُ: ٤٤
بیست صبر کننده	﴿عِشْرُونَ صَابِرُونَ﴾ الْأَنْفَالُ: ٦٥
شصت فقیر	﴿سِتَّيْنَ مِسْكِينًا﴾ الْمُجَازَلَةُ: ٤
شش روز	﴿سِتَّةُ أَيَّامٍ﴾ ق: ٣٨
دو زوج	﴿زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ﴾ الْمُؤْمِنُونَ: ٢٧
صد دانه	﴿مِئَةُ حَبَّةٍ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٦١
غذا دادن به ده فقیر	﴿إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ﴾ الْمَائِدَةُ: ٨٩

فَنُ التَّرْجِمَة

گاهی حرف اضافه معنای فعل را تغییر می‌دهد؛ مثال:

«قام: ایستاد» و «قام بـ: اقدام کرد، عمل کرد، پرداخت»

«جاء، آتى: آمد» و «جاء بـ، آتى بـ: آورد»

يَدْخُلُ الْأَسْتَادُ فِي الصَّفِ فَيَقُولُ الطَّلَابُ احْتِرَامًا لَهُ.

استاد وارد کلاس می‌شود و دانشجویان به احترامش بر می‌خیزند.

قَامَ حَدِيْ بِتَوْزِيعِ الْهَدَايَا عَلَى الْبَنَاتِ وَالْبَنِينَ فِي الْحَفْلَةِ.

پدر بزرگم در جشن، به پخش هدیه‌ها میان دختران و پسران پرداخت.

جَاءَ أَخِي الْمِضيَافُ بِالطَّعَامِ لِضِيوفِنَا الْأَعِزَاءِ.

برادر میهمان نوازم برای میهمانان گرامیمان خوراک آورد.

إِخْتَبَرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. نُورُ السَّمَاءِ

۱- ﴿فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا أَقْتُلُو أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ﴾
غافر: ۲۵

پس زمانی که حق را از جانب ما برای آنها آورد گفتند فرزندان کسانی که به او (موسى) ایمان آورده بکشید.

۲- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ﴾
آلرّوم: ۴۷

به راستی پیش از تو پیامبرانی به سوی قومشان فرستادیم، که برای آنها دلایل روشن آورده‌ند.

۳- ﴿مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيْكُمْ بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾
القصص: ۷۱

جز خداوند یکتا کیست، خدایی که برای شما روشنی بیاورد آیا نمی‌اندیشید.

۴- ﴿وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ﴾
یوسف: ۵۸

و برادران یوسف آمدند پس نزد او وارد شدند پس آنها را شناخت.

۵- ﴿قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى﴾
آلآنعام: ۹۱

بگو کتابی را که موسی آورد، چه کسی نازل کرد؟

در گروههای دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

جواراتُ (فِي مَطَارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ)

گفت و گوها (در فرودگاه نجف اشرف)

سائِحٌ مِنَ الْكُوَيْتِ

گردشگری از کویت

وَ عَلَيْكُمُ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

و سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد

مساء النور يا عزيزي.

عصر بخير عزيزم.

لَا، أَنَا مِنَ الْكُوَيْتِ. أَأَنْتَ مِنْ باڪستان؟

نه؛ من از کویت هستم. آیا تو از پاکستان هستی؟

جِئْتُ لِلْمَرْأَةِ الْأُولَى؛ وَ كَمْ مَرَّةً جِئْتَ أَنْتَ؟

برای اولین بار آمدم؛ تو چند بار آمدی؟

كَمْ عُمْرُكَ؟

چند سال است؟

مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ؟

از کدام شهر هستی؟

ما أَجْمَلَ غَابَاتِ مازندران وَ طَبِيعَتُهَا!

جنگلها و طبیعت مازندران چه زیباست؟

نَعَمْ؛ ذَهَبْتُ لِزِيَارَةِ الْإِمَامِ الرَّضا، ثَامِنِ أَئِمَّتِنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ.

بله؛ به زیارت امام رضا(ع)، هشتاد و پنجمین امام رفتم.

إِنَّ إِيْرَانَ بِلَادٍ جَمِيلَةٍ جِدًا،
وَ الشَّعْبُ الْإِيْرَانِيُّ شَعْبٌ مِضِيَافٌ.

ایران سرزمینی بسیار زیبا است و ملت ایران مهمان دوست (مهمان نواز) هستند.

سائِحٌ مِنْ إِيْرَانَ

گردشگری از ایران

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.

سلام علیکم

مساء الخير يا حبيبي.

عصر بخير ای دوست من

هَلْ حَضَرْتُكَ مِنَ الْعَرَاقِ؟

آیا جنابعالی از عراق هستی؟

لَا، أَنَا إِيْرَانِيُّ. كَمْ مَرَّةً جِئْتُ لِلزِّيَارَةِ؟

نه؛ من ایرانی هستم. چند بار به زیارت آمدی؟

أَنَا جِئْتُ لِلْمَرْأَةِ الثَّانِيَةِ.

من برای دومین بار آمدم.

عُمْرِي سِتَّةَ عَشَرَ عَامًاً.

من شانزده سال دارم.

أَنَا مِنْ مَدِينَةِ جُويَّارَ فِي مُحَافَظَةِ مازندران.

من از شهر جویبار در استان مازندران هستم.

هَلْ ذَهَبْتَ إِلَى إِيْرَانَ مِنْ قَبْلِ؟!

آیا از قبل به به ایران رفته‌ای؟!

كَيْفَ وَجَدْتَ إِيْرَانَ؟

ایران را چگونه یافته‌یدی؟

تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دیرستان بپرسید.

الْتَّمَارِينَ

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: إِقْرَأُ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ تَرْجِمْهَا.

۱- ﴿... سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ ... وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ ...﴾ الْكَهْفُ: ۲۲

به زودی خواهند گفت (آنها) سه نفر بودند و چهارمین آنها سگشان بود و می‌گویند آنها پنج نفر بودند و ششمین آنها سگشان بود و می‌گویند آنها هفت نفر و هشتمین آنها سگشان بود و بجز افراد اندکی کسی تعدادشان را نمی‌داند.

۲- ﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَباً وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ...﴾ يُوسُفُ : ۴
به راستی که من یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم که آنها به من سجده می‌کردند.

۳- ﴿إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعَوْنَ نَعْجَةً وَلَيَ نَعْجَةً وَاحِدَةً...﴾ ص : ۲۳
به درستی که برادرم نود و نه میش دارد و من یک میش دارم.

۴- ﴿قَالَ اللَّهُ لَا تَتَخَذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ﴾ التَّحْلِيلُ: ۵۱
خداؤند فرمودند: دو معبد را بر نگزینید، فقط پروردگار شما معبد یکتاست.

۵- ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهِ...﴾ الْأَنْعَامُ: ۱۶۰
هر کس کار نیک بیاورد پس ده برابر آن برای او می‌باشد.

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي: أَجِبْ عَنِ الْعَمَلِيَاتِ الْحِسَابِيَّةِ التَّالِيَةِ كَالْمِثَالِ.

(+) زائد (- ناقص) (:) تقسیم علی) (\times ضرب في)

$$10 \times 3 = 30$$

۱- عَشَرَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي ثَلَاثِينَ.
ده ضرب در سه، مساوی با سی است.

$$90 - 10 = 80$$

۲- تِسْعَوْنَ نَاقِصٌ عَشَرَةٌ يُسَاوِي ثَمَانِينَ.

$$100 \div 5 = 20$$

۳- مِئَةٌ تقسیم علی خَمْسَةٍ يُسَاوِي عِشرینَ.
صد تقسیم بر پنج، مساوی با ۲۰ است.

$$6 \times 11 = 66$$

۴- سِتَّةٌ فِي أَحَدَ عَشَرَ يُسَاوِي سِتَّةً وَسِتِينَ.

$$75 + 25 = 100$$

۵- خَمْسَةٌ وَسَبْعَوْنَ زائد خَمْسَةٍ وَعِشرِينَ يُسَاوِي مِئَةً.
هفتاد و پنج به اضافه بیست و پنج، مساوی با صد است.

$$82 \div 2 = 41$$

۶- إِثْنَانِ وَثَمَانُونَ تقسیم علی اثْنَيْنِ يُسَاوِي واحداً وَأَرْبَعينَ.
هشتاد و دو تقسیم بر دو، مساوی با چهل و یک است.

آلَّتَمْرِينُ الْثَالِثُ: أَكْتُبُ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا تَرْتِيبِيًّا مُنَاسِبًا.

- ١- **الْيَوْمُ الثَانِي** مِنْ أَيَّامِ الْأَسْبُوعِ يَوْمُ الْأَحَدِ.
روز دوم از روزهای هفتگ، روز یکشنبه است.
- ٢- **الْيَوْمُ السَادُسُ** مِنْ أَيَّامِ الْأَسْبُوعِ يَوْمُ الْخَمِيسِ.
روز ششم از روزهای هفته، روز پنجشنبه است.
- ٣- **الْفَصْلُ الرَّابِعُ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الشَّتَاءِ** فَصْلُ چهارم در سال ایرانی، فصل زمستان است.
- ٤- **الْفَصْلُ الْثَالِثُ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الْخَرِيفِ**.
فصل سوم در سال ایرانی، فصل پاییز است.
- ٥- يَأْخُذُ الْفَائِزُ الْأَوَّلُ جَائِزَةً ذَهَبِيَّةً وَ الْفَائِزُ الثَانِي جَائِزَةً فِضْيَّةً.
برندۀ اول جائزه طلایی و برنده دوم جائزه نقره‌ای می‌گیرد.

آلَّتَمْرِينُ الرَّابِعُ: أَكْتُبُ فِي الْفَرَاغَاتِ أَعْدَادًا مُنَاسِبَةً.

مِنْ وَاحِدٍ إِلَى ثَلَاثِينَ				
وَاحِدٌ	إِثْنَانٌ	ثَلَاثَةٌ	أَرْبَعَةٌ	خَمْسَةٌ
سِتَّةٌ	سَبَعَةٌ	ثَمَانِيَّةٌ	تِسْعَةٌ	عَشَرَةٌ
أَحَدَعَشَرَ	إِثْنَا عَشَرَ	ثَلَاثَةَ عَشَرَ	أَرْبَعَةَ عَشَرَ	خَمْسَةَ عَشَرَ
سِتَّةَ عَشَرَ	سَبَعَةَ عَشَرَ	ثَمَانِيَّةَ عَشَرَ	تِسْعَةَ عَشَرَ	عَشْرُونَ
وَاحِدُ وَعِشْرُونَ	إِثْنَانِ وَعِشْرُونَ	ثَلَاثَةُ وَعِشْرُونَ	أَرْبَعَةُ وَعِشْرُونَ	خَمْسَةُ وَعِشْرُونَ
سِتَّةُ وَعِشْرُونَ	سَبَعَةُ وَعِشْرُونَ	ثَمَانِيَّةُ وَعِشْرُونَ	تِسْعَةُ وَعِشْرُونَ	ثَلَاثُونَ

الْعُقوُدُ

٥٥ خَمْسُونَ	٤٥ أَرْبَعُونَ	٣٥ ثَلَاثُونَ	٢٥ عِشْرُونَ
٩٥ تِسْعُونَ	٨٥ ثَمَانُونَ	٧٥ سَبْعُونَ	٦٥ سِتُّونَ

آلَّتَّمْرِينُ الْخَامِسُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ عَدَادًا مِنَ الْأَعْدَادِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ».

عَشْرَةً / مِئَةً / خَمْسُ / عَشْرِينَ / خَمْسِينَ / ثَلَاثَةً / وَاحِدُ
دَه / صَد / پنج / بیست / پنجاه / سه / يك

۱- **وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا** ← (۹۰)

به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم، او نهصد و پنجاه میان آنها زندگی کرد.
العنکبوت: ۱۴

۲- **وَأَرْسَلْنَا إِلَيْ مِئَةٍ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ** ← (+1.....)
و او را بر (قومی) صد هزار (نفر) یا بیشتر فرستادیم.

۳- **فَقَيْهُ وَاحِدٌ أَشَدُ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ**.
وجود یک فقیه (در دین) از وجود هزار عابد برای شیطان گران تر است.

۴- **الصَّابِرُ ثَلَاثَةٌ صَابِرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَصَابِرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَصَابِرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ.**
صبر سه تا است: صبر هنگام مصیبت، صبر بر اطاعت و صبر در معصیت.

۵- **عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ الْوَرَعُ فِي الْحُلْوَةِ، وَالصَّدَقَةُ فِي الْقِلَّةِ وَالصَّابِرُ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَالْحَلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَالصَّدْقَةُ عِنْدَ الْخُوفِ.**
الإمام السجاد رَزِينُ الْعَابِدِينَ

نشانه های مؤمن پنج تا است، پارسايی در خلوت، صدقه دادن در تنگستی، شکیبايی در ناگواری و
بردباري در حال خشم و راست گفتن هنگام ترس.

آلَّتَّمْرِينُ السَّادِسُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ الضَّمِيرَ الْمُنَاسِبَ، ثُمَّ تَرْجِمِ الْجُمَلَ.

أَنَا / أَنْتَ ، أَنْتِ / هُوَ ، هِيَ نَحْنُ / أَنْتُمْ ، أَنْتُنَّ ، أَنْتُمَا / هُمْ ، هُنَّ ، هُمَا

او خواهد گذشت	هو ... سیمپی	من فراموش نمی کنم	اذا... لا أَنْسَى	آنها قرار ندادند	هم ... ما وَضَعُوا
او بخواهد خاست	هو ... سوفَ یَقُومُ	شما پایین خواهید آورد	أَنْتُمْ سَتَنْزِلُونَ	آنها فرباد نمی زند	هم ... لا يَصْرُخُونَ
او نیافتاد	هي ... ما وَقَعْتُ	شما رسیدید	أَنْتَنَ وَصَلْتُنَّ	آنها نصیحت می کردند	هما ... كَانَتَا تَنْصَحَانِ
او می انداختند	هو ... کانوا يَقْدِفُونَ	تو پنهان نکن	لا تَكْتُمْ انت	شما کشف کنید	اِکْشِفُوا انتم
من خواستم	اذا ... طَلَبْتُ	تو عطر زدی	أَنْتَ عَطْرَتَ	ما ندانستیم	نَحْنُ مَا عَلِمْنَا
شما با تندی نرانید	انتم ... لا تَطْرُدُوا	شما پشیمان می شوید	أَنْتَنَ لا تَنْدَمْنَ	تو چاپ می کنی	أَنْتَ تَطَبَعَنَ

آلَّتَمْرِينُ السَّابِعُ: تَرْجِمُ الْعِبَاراتِ التَّالِيَّةَ. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ

- ١ - ... أَكْبَرَ عَنْكَبُوتٍ، تَعِيشُ فِي الْبَرَازِيلِ وَ وزُنُّهَا مِئَةُ وَ سَبْعُونَ غِراماً؟ (غِرام: گرم)
بزرگ ترین عنکبوت در برزیل زندگی می‌کند و وزنش صد و هفتاد گرم است؟
- ٢ - ... الْكَلْبُ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ صَوْتِ السَّاعَةِ مِنْ مَسَافَةِ أَرْبَعِينَ قَدَمًا؟
سگ می‌تواند صدای ساعت را از فاصله چهل قدم بشنود؟
- ٣ - ... النَّمَلَةُ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفْوُتُ وَ وزُنُّهَا خَمْسِينَ مَرَّةً؟
مورچه می‌تواند چیزی که وزنش پنجاه برابر وزن خودش است را حمل کند؟
- ٤ - ... الْغُرَابُ يَعِيشُ عِشْرِينَ سَنَةً إِلَى ثَلَاثِينَ أَوْ أَكْثَرَ؟
کلاع بیست تا سی سال یا بیشتر زندگی می‌کند؟
- ٥ - ... ثَمَانِينَ فِي الْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشَرَاتُ؟
هشتاد درصد از موجودات جهان حشرات هستند؟
- ٦ - ... طَولَ قَامَةِ الْزَرَافَةِ سِتَّةُ أَمْتارٍ؟ (أَمْتار: جمع متر)
طول قد زرافه شش متر است؟



آلَّتَمْرِينُ الثَّامِنُ: أُكْتُبُ السَّاعَةَ بِالْأَرْقَامِ.

١٠:٥٥

١ - الْحَادِيَّةَ عَشْرَةَ إِلَّا عَشْرَ دَقَائِقَ.

ده دقیقه به یازده

٧:٢٠

٢ - الْسَّابِعَةُ وَ عِشْرُونَ دَقِيقَةً.

هفت و بیست دقیقه

١٢:٠٠

٣ - الْثَّانِيَّةَ عَشْرَةَ تَمَاماً.

دوازده تمام

٥:٤٥

٤ - الْسَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعَاً.

یک ربع به شش

٥:٣٠

٥ - الْخَامِسَةُ وَ النِّصْفُ.

پنج و نیم

كَمْلِ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجِمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

١- ﴿رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي

يَفْقَهُوا قَوْلِي﴾ طه: ٢٥ إِلَى ٢٨

پروردگارا سینه‌ام را برایم بگشای و کارم را آسان گردان و
گره از زبان بگشا [تا] سخنم را بفهمند.

٢- ﴿رَبَّنَا آتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾

آل‌بقرة: ٢٠١

پروردگارا، در دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی بده و ما را از عذاب آتش (جهنم) نگاه دار.

٣- ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَوةَ وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ

عِنْدَ اللَّهِ﴾ آل‌بقرة: ١١٠

و نماز را برپای دارید و زکات بدھید و هرچه را از کار نیک برای خودتان پیش بفرستید، آن را نزد خدا می‌یابید.

٤- ﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبَرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾

آل‌بقرة: ٢٥٠

پروردگارا بر ما صبر عطا کن و قدم‌هایمان استوار کن و مارابر گروه بی‌ایمانان پیروز گردان.

۵- ﴿ وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الدُّلَّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا

رَبِّيَانِي صَغِيرًا ﴿الإِسْرَاءَ: ٢٤﴾

و در برابرشان [در برابر پدر و مادر] بال فروتنی را از روی مهربانی فرود آر و بگو پروردگارا، همان‌گونه که آنها مرا در کودکی پرورش دادند، به آنان مهربانی کن.

۶- ﴿ وَ قُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴾ المؤمنون: ۱۱۸

و بگو پروردگارا ببخشای و رحم کن و تو بهترین مهربانانی.

۷- ﴿ وَ مَا ظَلَمُونَا وَلِكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴾ البقرة: ۵۷

و [در این ناسپاسی] به ما ظلم نکردند بلکه به خودشان ظلم می‌کردند.

۸- ﴿ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ﴾ القصص: ۱۶

پروردگارا قطعاً من به خودم ظلم کردم ؛ پس مرا بیامرز

۹- ﴿ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنفُسِكُمْ ﴾ البقرة: ۲۳۵

و بدانید که خدا آنچه را در دل‌هایتان است، می‌داند